

# گاهنامه هنر و مبارزه

4 نوامبر 2011



فیدل کاسترو

ناتو در نقش کشتارگر جمعی (بخش یکم)  
نوشته های «کومپانی رو» فیدل

فیدل کاسترو



[Mondialisation.ca](http://Mondialisation.ca), Le 25 octobre 2011

[Granma.cu](http://Granma.cu)

این اتحادیه نظامی خشونت بار به ریاکارترین ابزار سرکوبی تبدیل شده است که تا کنون تاریخ بشریت هرگز نداشته بود.

ناتو را به بهانه مقابله با اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به وجود آورده بودند که در مقابله با آن نقش سرکوبگرش را ایفاکند، ولی آن بهانه دیگر از بین رفته است.

اهداف جنایتکارانه ناتو در صربى مانند روز روشن آشکار شد، یعنی در کشوری اسلاو که مردم آن در دوران جنگ جهانی دوم قهرمانانه مقابل یگان های ارتش نازی مبارزه کرده بودند.

وقتی در مارس 1999، کشورهای عضو این سازمان شوم که تجزیه یوگوسلاوی را در برنامه خود تهیه دیده بود، پس از مرگ یوسپ بروز تیتو، یگان هایش را برای پشتیبانی از جدایی خواهان کوزوو گسیل داشت، و چنین بود که با مقاومت جانانه این ملت روبرو شد که یگان های نظامی ماهر و با تجربه اش دست نخورده باقی مانده بود.

دولت یانکی با مشاورت دولت دست راستی اسپانیا، خوزه ماریا ازنار، ساختمان تلویزیون صرب، پل های دانوب و بلگراد، پایتخت یوگوسلاوی را بمباران کرد. در این بمباران، سفارت جمهوری خلق چین نیز ویران شد و چندین کارمند چینی جان باختند، و باید یادآوری کنم که این رویداد به هیچ عنوان، به شکلی که مسئولان نظامی گفته اند، در اثر اشتباه در تعیین هدف نبوده است. بسیاری از وطن دوستان صرب نیز جانشان را از دست دادند. رئیس جمهور اسلوبودان میلوسویچ زیر فشار قدرت تجاوزگران و فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، درخواست های ناتو مبنی بر حضور یگان های نظامی در کوزوو با مجوز سازمان ملل متحد را پذیرفت، یعنی راه کاری که به شکست سیاسی او انجامید و سپس به دادگاه لاهه فرستاده شد که این دادگاه نیز به هیچ عنوان بی طرف نبود.

به شکل شگفت آوری میلوسویچ در زندان جان باخت. اگر رهبر صرب چند روز بیشتر زنده می ماند، ناتو دچار بحران بسیار عمیقی می شد که وضعیت بحرانی را به حالت انفجاری می رساند. به این ترتیب امپراتوری زمان بیشتری به دست آورد که حاکمیت خود را بیش از پیش به اعضای ناتو تحمیل کند.

21 فوریه گذشته، در «کوبا-دبات» من 9 مورد را در رابطه با این مسئله منتشر کردم، و نقش ناتو در لیبی را مورد بررسی قرار دادم و نشان دادم که از دیدگاه من در لیبی چه خواهد گذشت.

در این جا مجبورم خلاصه ای از آن چه که پیش از این مطرح کرده بودم و هم چنی به مواردی اشاره کنم که بر اساس پیشبینی هایم روی داده است، به ویژه، به این علت که حالا شخصیت کلیدی این واقعه، یعنی معمر قذافی، پس از زخمی شدنش در بمباران توسط مدرنترین شکاری های ناتو که اتومبیل او را ردیابی کرده بودند، زنده به اسارت نیروهای در می آید که همین سازمان نظامی آن را مسلح کرده بود، و سپس توسط همین افراد کشته می شود.

جسد او سپس به شکل نامتعارفی مانند نشان پیروزی به نمایش گذاشته شد، یعنی رفتاری که مقدماتی ترین اصول اسلامی و ادیان دیگر را نقض می کند. ولی به ما می گویند که به زودی در لیبی «دولت دموکراتیک و مدافع حقوق بشر» ایجاد خواهد شد.

در نتیجه می بایستی که در این نوشته به چند مورد مهم و معنی داری بپردازم. فردا،  
دوشنبه این موضوعات را ادامه خواهم داد.



Fidel Castro Ruz  
Le 23 octobre 2011  
18 h 10

منبع :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=27300>

ترجمه از فرانسه به فارسی توسط حمید محوی

**نشر گاهنامه هنر و مبارزه**